

پوهنیار بشیر مومن

مواد مخدره لوکوموتیف تروریزم!

مسئله مواد مخدره و مبارزه با آن يك امر اجتماعي ودارای جوانب مختلف است. اما از دیدگاه جامعه شناسی باید به موضوع مواد مخدر در جامعه ما عمیق تر نگاه شود. مواد مخدر به آن دسته از ترکیبات کیمیاوی گفته می‌شود که مصرف آنها باعث دیگرگونی در سطح هوشیاری مغز شود. بنابر این لازم است تادر مورد علل و عوامل این تجارت خطرناک اندیشه نمود. شکل گیری تدریجی شبکه فساد سبب اعمال مکرر، تلاش برای عادی سازی رفتار فسادآمیز و تثبیت روابط می‌شود و بدین ترتیب عرضه و تقاضای سازمانی و افراد مجزا را تمرکز می‌بخشد و قادر به جریان انداختن کالاهای مبادله شده رنگارنگ می‌شود که در بستر يك سلسله معاملات نا مبارک انجام می‌شوند: «کمک به صندوق های انتخاباتی، باز خرید يك روزنامه، پرداخت دستمزد يك همکار و مبادله اطلاعات، نصب مقامات اداری و هدایت شبکه های بازرگانی» در هم تنیده می‌شوند. ولی همه این ها پیرامون «هدف های خودپرستانه و ثروت فردي» است که می‌تواند عملي شوند و ادامه یابند. به همین جهت شبکه های فساد با ایجاد آشنایی، امنیت، اعتماد و حمایت، در گرد و بر اعضاي خود وفاداری های چندجانبه را در سطح جامعه ایجاد می‌کند و با ایجاد روابط پیچیده بین اشخاص، ادامه کاری و اعتمادسازی را به امری معمولی تبدیل می‌کند. مانویل کاستلس جامعه شناس هسپانیایی معتقد است که «شبکه سازی سازمان های جنایی قدرتمند و هم دستان آن ها در فعالیت های مشترك در سرتاسر جهان، پدیده ای جدید است که تأثیرات حیرت آور بر اقتصاد، سیاست، امنیت و در نهایت کل جوامع ملی و بین المللی می‌گذارد: کسانوسترای سبیلی، مافیای آمریکا، یاکوزای جاپان، تراياد چین، قاچاقچیان هروئین ترکیه، پوسس جامائیکا و هزاران دارودسته جنایی منطقه ای و محلی در تمامی کشورها در يك شبکه جهانی متنوع گرد آمده اند». قاچاق مواد مخدر مهم ترین بخش این صنعت عالم گیر است. ولی باید هر آن چه را که دقیقاً به دلیل ممنوعیتش در يك محیط نهادی خاص دارای ارزش افزوده می‌شود به این صنعت افزود: مواد رادیواکتیو، اعضاي بدن انسان، مهاجرت های غیرقانونی، فحشا، اختطاف و غیره. کاستلس معتقد است که «قاچاق مواد مخدر يك تجارت درجه اول است تا حدی که قانونی شدن مواد مخدر شاید بزرگ ترین خطري است که گروه های سازمان یافته جنایی باید با آن مقابله کنند». آن ها می‌توانند روی بی عقلی سیاسی و اخلاق نابجای دولت هایی تکیه کنند که از پذیرش مهم ترین جنبه این مسأله یعنی تقاضا محرك عرضه است، اجتناب می‌کنند. بنابر این با وجود زخم های روانی که زنده گی روزمره بر مردم وارد می‌کند نیاز به مصرف مواد مخدر گسترش خواهد یافت و جنایت سازمان یافته جهانی راه های لازم را برای تأمین این تقاضا پیدا خواهد کرد. برخلاف ساده سازی عمومی حاکمان، تخصیص درآمدی که از فرصت ها و موقعیت های برتر به دست آمده باشد، ثروت حاصل از کار غیرتولیدی و بادآورده یعنی رنت، مبتنی بر مجموعه ای از ملاحظات بازاری و غیربازاری شامل روابط نژادی، منطقه ای، حزبی، هم مدرسه ای و غیره است که بهترین راهنمای آن سیاست است، پدیده رنت یا سود از نظر جامعه شناسی به «الگو شدن نوعی رفتار اجتماعي و نوعی تیپ شخصیتی در سطح جامعه»

منجر می شود که در آن رفتاری منحرف شده از وظایف رسمی يك نقش عمومی به علت ملاحظات خصوصی از قبیل شخصی، خویشاوندی، حزبی، محفل خصوصی و غیره دستاوردهای پولی و شغلی «به يك روش کار موفق روزمره و غیرمذموم تبدیل میشود. در چنین شرایطی اول انسانها در تجربه روزانه در مییابند که زور، رابطه و حلقه دوستان شخصی، تعیین کننده تر از عقل، استعداد و ایمان و حقانیت است و با عادی شدن چنین روابطی ابتدا عزت و غرور عقل و منطق انسان ها درهم می شکند و سپس این انسان در دام های فساد که هر روز اشکال متنوع تر به خود می گیرند می افتد. در این روند يك سیستم اجتماعی سازمان نیافته در کل جامعه جاری می شود که به قول فیلیس آکرمن دانشمند امریکایی، «معیارهای تصمیم گیری کاملاً دل خواهی و ناشناخته و حلقه رسمی فرماندهی نامشخص است». در این حالت بهره جویی بی دردمس به عادت اصلی جامعه تبدیل می شود و درون دولت بااستقلال از دولت یکی می شود و رگه های وطن پرستی، تعهدات آرمانی، وابستگی های حرف های در سطحی وسیعتر دچار امحا می شوند و فساد سیاسی، اداری، اخلاقی و فردی به صورت ابعادی از يك پدیده معین حاکمیت جامعه در می آیند و عقلانیت، قانون مداری و مسایل دیگر چه نقش اندکی در این میانه دارند. این امر به قول کاستلس به يك در هم تنیدگی سیاست، تجارت و جنایت تبدیل می شود که مانورهای سوداگرانه این گروه ها در این بازار آشفته به آسانی جای میگیرد، دوام می آورند و وسعت مییابند. بر بنیاد گفته های فوق عملامیبینیم که در حضور 48 کشور، افغانستان در پهلوی مصایب دیگر امروز به مرکز درجه اول مواد مخدره جهان مبدل شده است. از همه جالب تر اینکه با آمدن جامعه جهانی کشت کوکنار شدت هر چه بیشتر گرفت. درین هیچ جای شک نیست که ناامنی، نبود تحصیلات، نبود یک زنده گی بهتر، دلایلی است که دهقانان تریاک کشت می کنند. افغانستان بزرگترین منبع تولید و قاچاق موادمخدر در سطح جهان بوده و 95 درصد موادمخدر در افغانستان تولید میشود. این مواد از طریق مرزهای تاجکستان، پاکستان و ایران به بازارهای آسیایی و اروپایی قاچاق می گردد. براساس گزارش های اعلام شده از سوی سازمان ملل متحد، روند تولید موادمخدر در افغانستان در سال 2007 میلادی به هشت هزار و 200 تن یعنی دوبرابر سال 2005 رسیده است. این درحالیست که میزان تولید موادمخدر در سال 2001 یعنی در زمان حاکمیت طالبان کمتر از 200 تن در سال اعلام شده است. معلوم نیست چرا باوجود شعارهای آمریکا و دیگر همپیمانانش در مبارزه با مواد مخدر انبارهای افغانستان طی سال های گذشته نه تنها از وجود مواد مخدر خالی نشده بلکه هنوز جوابگوی نیازهای همه کشورهای جهان است. به قول رادیو فرانسه: همین منبع متذکر می شود که قاچاقچیان مواد مخدر برسرزمینهای زراعتی آمده، دانه ها را در اختیار دها قین قرار می دهند، پیشاپیش بهای محصول را می پردازند و قاچاقچیان خود برای حمل محصول بلافاصله پس از برداشت بار دیگر بر سر زمینهای بازمی گردند. البته این در حالی است که مقامات روسی بر این عقیده اند که اصلی ترین علت وضعیت دشوار این کشور، قاچاق وسیع مواد مخدر از افغانستان است که مسئولیت این مسئله بر دوش آمریکا است که کنترل اوضاع در این کشور و مبارزه با این پدیده را بر عهده دارد. ویکتور ایوانوف، رییس مبارزه با مواد مخدر روسیه گفته است که حدود 500 لائبراتور مواد مخدر در ولایت بدخشان، در شمال افغانستان وجود دارند و برای نابودی این لائبراتورها، به عملیات مشترک نیروهای ناتو و روسیه نیاز است. سازمان مبارزه با مواد مخدر روسیه با صدور اعلامیه ای اعلام کرد که نگران توزیع انتقال از افغانستان به روسیه و آسیای مرکزی و در نهایت به اروپا است. در این اطلاعیه آمده است که تولید هروئین در افغانستان در سال 2011 نسبت به سال 2010 بیش از 2 برابر افزایش داشته است. این اطلاعیه افزوده است: اگر در جنوب افغانستان و ولایت های هلمند و قندهار فقط خشخاش کشت می شد اکنون در شمال این کشور و بویژه در قسمت های کوهستانی ولایت بدخشان به مقدار زیاد هروئین تولید و توزیع می شود که به روسیه و آسیای مرکزی می آید. در این منبع همراه با اظهار تأسف، اشاره شده است که 3 ولایت فاریاب و کاپیسا و بغلان نیز که در گذشته از کشت خشخاش در امان بودند در ردیف شهرهای کشت خشخاش در آمده اند. همه میدانند، اگر جامعه جهانی بخواهد، کشت مواد مخدر در مدت یک سال از افغانستان برچیده می شود. مشفق جلال، تحلیلگر سیاسی می گوید: «به نظر می رسد دوام کشت کوکنار به نفع طرف های درگیر در کشور است و جامعه جهانی علاقه مندی چندانی به تخریب کشت خشخاش در افغانستان ندارد». به گفته جلال، محو کشت کوکنار

در افغانستان با امکاناتی که دولت و نیروهای خارجی در اختیار دارند، کار مشکلی نیست. همچنین در کنار بی میلی برای از بین بردن زمین های خشکساخت، علاقه بانک های بین المللی به پول کثیف بدست آمده از تولیدات این زمین ها آشکار است چراکه تجارت موادمخدر در کنار تجارت نفت و گاز سهم بزرگی در تجارت جهان دارد. رئیس اداره مبارزه با مواد مخدر روسیه اظهار داشت بانک های آمریکا و اروپا به طور ضمنی از جریان پول حاصل از مواد مخدر استقبال می کنند. مدیر دفتر ملی سیاست های کنترل مواد مخدر در دفتر اجرایی رئیس جمهور آمریکا در مصاحبه با شبکه راشا تودی گفت: ما می توانیم چندین تن مواد مخدر را ضبط و قاچاقچیان را دستگیر کنیم، اما نیاز واقعی ما قطع بودجه این تولیدات است. معلوم است که آمریکا و ناتو برای از بین بردن زمین های خشکساخت افغانستان اقدامی نکرده اند و بانک های بین المللی نیز به حجم عظیم پول کثیف که در آنها در جریان است توجهی ندارند اما کارشناسان معتقدند که وضع موجود باعث کشته شدن میلیون ها نفر دیگر می شود. با وجود عملیات علیه مواد مخدر و کمپاین محو کشت کوکنار، ناتو با مبارزه یی دشوار در افغانستان که بزرگترین تولید کننده تریاک در جهان است، روبهرو است. 90 درصد تریاک، یعنی ماده اولیه هیرویین در جهان، در افغانستان تولید می شود. درآمد حاصل شده از تولید و قاچاق مواد مخدر در افغانستان سالانه حدود سه میلیارد دالر برآورد شده است. احديار، قاضی 31 ساله، دوسیه های مختلفی را نظارت کرده است، به قول او یک شهروند نیجریه کیسه های کوچک هیرویین را در شکمش جاسازی کرده بود، در میدان هوایی کابل بازداشت شده است. یک راننده ایرانی تریاک را در موترش به مقصد ایران پنهان کرده بود، و یک کانادایی لوازم کیمیاوی را به این منظور به کشور آورده بود. این قاضی جوان می گوید: «دهقان های فقیر غالباً وقتی خشکساخت می کنند که قاچاقبران خارجی پول پیش پرداخت به آنها می دهند، و یا توسط طالبان ترسانده می شوند». سیف الدین سیحون، استاد فاکولته اقتصاد پوهنتون کابل می گوید: «خیلی از افراد و اشخاصی که در دستگاه دولت صاحب نام و نشان هستند، ثروت، سرمایه و همه هست و بود شان محصول و مولود مواد مخدر است و به همین دلیل اراده سیاسی برای مبارزه با مواد مخدر مقطعی، صوری و سطحی است». پس از سقوط طالبان در 2001، میدانهای هوایی و پروازهای اختصاصی آمریکا و انگلیس از میدانهای بگرام هلمند و قندهار و در مجموع تمام افغانستان اصلی ترین محل های است که امر قاچاق مواد را تسهیل می کنند. بهترین ابزار برای قاچاق بی دردسر بی شک پروازهایی است که هیچ نظارت و کنترلی بر آنها انجام گرفته نمیتواند. عملاً بحث مبارزه این نیروها با مواد مخدر نیز منتفی است. نکته نگران کننده تر بر اساس گزارش اخیر سازمان ملل UNODC & UNAMA حدوداً 60 درصد تریاک افغانستان برای سهولت در حمل و قاچاق و تامین نیاز بازارهای جهانی، به هروئین و مرفین تبدیل می شود. برای این کار نیاز به تامین حدوداً 12000 تن (12 هزار) انواع مواد کیمیاوی و غیرکیمیاوی است. مهمترین ماده مورد نیاز برای انجام این فرایند کیمیاوی انیدرید استیک است که برای تبدیل آن میزان از تریاک به هروئین و مرفین، نیاز به تامین 1300 تن از این نوع ماده کیمیاوی است، جالب اینجاست که در حال حاضر نه یک لیتر از این ماده در افغانستان تولید و نه یک لیتر از آن در این کشور مصرف قانونی دارد. معدود کشورهایی قادر به تولید این ماده کیمیاوی بوده و طبق کنوانسیون سازمان ملل، خرید، فروش، حمل و مصرف آن زیر نظر مستقیم دفتر حقوقی سازمان ملل INCB صورت می پذیرد. نباید فراموش کرد که مفاد «کمیتیه سیصد» در این امر دوطرفه است. از یک طرف قاچاق مواد مخدر به خارج از افغانستان و از یک سو قاچاق مواد کیمیاوی به داخل کشور. شگفت انگیز است که اربابان جهان قادرند يك خانه گلي و يا فرد تروریست را توسط موشك هاي پیشرفته هدف قرار دهند، ولی از نابود کردن هزاران لابراتوار تولید هروئین در افغانستان خودداری می کنند! بر این اساس میتوان گفت مواد مخدره لوکوموتیف تروریسم است که کسی آنرا در مبارزه ضدتروریسم وکسانی آنرا برای پیروزی تروریسم بکار میبرند، چون به نفع طرفین است لذا هر روز رونق بیشتر میابد و بازنده اصلی مردم بیچاره و بی دفاع افغان است نه معامله گران. سازمان ملل متحد در همین زمینه طی گزارش اعلام می کند که تنها در سال 2009، بیش از 38 تن اسید برای ساخت مواد مخدر صنعتی به داخل افغانستان قاچاق شده است. و لی این نکته واضح نگردیده که این اسیدها از کجا به خاک افغانستان وارد شده اند.

عدم نابودسازی مزارع خشخاش توسط نظامیان آمریکا و انگلیس، تضمین خرید تریاک تولیدی برخی از دهقانان افغان توسط اینها و تشویق مردم افغان به توسعه کشت تریاک به جای کشت برنج و مالداري از جمله اقداماتی است که نظامیان آمریکا در افغانستان انجام می‌دهد و رسانه‌های جهان گاه و بیگاه آن را منتشر می‌کنند. برخی گزارش‌ها حاکی از این است که انگلیس در ولایت هلمند به کمک نیروهای طالبان توانسته انحصار کشت، تولید و تجارت مواد مخدر در این ولایت را به دست بیاورد و این در حالی است که مقامات انگلیسی به فکر ارائه طرح‌هایی مبنی بر مبارزه با قاچاق مواد مخدر در این کشور هستند. به گزارش آژانس خبری صدای افغان برخی مقامات در وزارت دفاع انگلستان تایید کرده‌اند که گویا تعدادی از نظامیان این کشور از طریق طیارات نظامی مواد مخدر را از خاک افغانستان خارج می‌کنند. این آژانس به نقل از 'ملالی اسحاق'، نماینده مردم قندهار نوشت: دور از ذهن نیست که نیروهای انگلیسی در قاچاق مواد مخدر دست داشته باشند زیرا تا به حال نتوانسته‌اند مزارع کشت مواد مخدر را از بین ببرند. به گفته سید اسحاق دلجو حسینی تحلیل‌گر مسائل افغانستان، کنترل لابراتوارهای مواد مخدر توسط نیروهای خارجی، حراست نیروهای انگلیسی در هلمند از کشتزارهای مواد مخدر، اطمینان دادن به دهاقین برای کشت این مواد، تولید 8400 تنی مواد مخدر و در آخر افشاگری‌های زیادی که در نشریات غربی و آمریکایی شده است، جای تردیدی را باقی نگذاشته‌اند که این نیروها نه تنها به فکر مبارزه با مواد مخدر نیستند بلکه این جریان را تقویت می‌کنند. ایوانف ادامه می‌دهد کسانی که کار ترانزیت مواد مخدر را اداره می‌کنند، امروز در حقیقت بازیگران مالی و اقتصادی جهان و رهبران پشت پرده جهان و خصوصاً طراحان و بانیان واقعی بحران اقتصادی جهان هم هستند. ببینید تقریباً یک هزار و 500 عسکر ناتو فقط با یک نفر عضو القاعده و طالبان در افغانستان در حال آماده‌باش هستند و هزینه‌های سالانه مالیات پردازان برای نابود کردن یک نفر عضو القاعده یا طالب حدود 300 میلیون دلار است. به هر حال نباید فراموش کرد که تجارت مواد مخدر در جهان امروز تأثیر مستقیم شگرفی هم بر اقتصادهای ملی، هم فرهنگ بومی و هم روان اجتماع مردم دارد. طوری که در بعضی از کشورها از جمله کلمبیا، پرو، بولیوی، نیجریه و کشور ما افغانستان این تأثیر تعیین‌کننده است. امروز شبکه جهانی جنایت با توده‌های بسیار وسیعی از مردم افغانستان چه از طریق ارتباطات فرهنگی و قومی و چه در ارتباط با معاش روزمره آن‌ها پیوند تنگاتنگ روزانه برقرار کرده است و بزرگی اندازه سرمایه این شبکه جهانی، اقتصاد این کشور را در خود فرو برده است. چنانکه گفته‌ام مدیم خارجی‌ها قسمت اعظم گروه مافیای مواد مخدر را تشکیل می‌دهند و شبکه‌های بزرگ مافیای مواد مخدر، خارج از مرزهای افغانستان فعالیت می‌کنند که توسط قدرت‌های بزرگ یا بهتر است گفته شود «کمپته سیصد» از نظر اقتصادی و سیاسی حمایت می‌شوند. با وجود تمام زد و بندها، جامعه جهانی می‌تواند با سرمایه‌گذاری در بخش زراعت افغانستان نقش ارزنده‌ای در مبارزه با مواد مخدر داشته باشد، و میتواند از مثال دولت شاهی هالند در زمان حضورش در ولایت ارزگان، که مردم را در کشت زعفران و توسعه باغ‌های بادام کمک و رهنمایی میکرد، پیروی کنند و یا حد اقل آن پروژه‌های نا تمام را تمام کنند. عدم توجه عمیق به قاچاق مواد مخدر از این منظر، می‌تواند مصیبت‌های تازه را به این مردم فلاکت زده به ارمغان بیاورند. اما تا زمانی که یک دولت ملی و متخصص بوجود نیاید وزیربناهای افغانستان بازسازی نشود، انرژی برق برای مردم تهیه نگردد و حد اقل جای‌کار برای افغان‌ها میسر نشود، مبارزه با مواد مخدر مانند حوزه‌های دیگر غیر عملی و عوامفریبی است.